

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

عبدالله امینی - کابل

۱۴ اگست ۲۰۱۵

ظاهر و داوود و روشنفکران قلابی

در افغانستان خون می جوشد. ده ها تن هر روز به قتل می رسند و صد های دیگر آواره و در بدر می شوند. درین آوانی که توجه باید به سوی بدبختی های کنونی معطوف شود، عده ای از "روشنفکران" وابسته، موضوعاتی را به بهانه افشای حقایق تاریخی طور هدفمند مطرح می کنند تا توجه مردم از مظالم و شرارت های تحمیلی کنونی منحرف شود. ازین معلوم می شود که امپریالیسم و عمال داخلی آن موفقانه این پروژه را پیش می برند و یک دسته از میهن فروشان را در داخل و خارج تمویل می نمایند.

حینی که فرصت برایم دست دهد و همچنان انترنت در کابل میسر شود، سری به سایت های افغان ها می زوم تا اگر بتوانم چیزی بیاموزم. بعد از هشت و هفت ثور امسال، متوجه شده ام که تعدادی از نویسندگان در ساینی به نام افغان جرمن آنلاین متواتر در مورد خوبی و خرابی ظاهر شاه و داوود خان مضمون می نویسند و شخص دیگری هم تمام قوت خود را بر میوندوال صدراعظم سابق متمرکز ساخته تا او را انسان عاری از هر نوع خطا معرفی نماید. تصور می شود یک عده هم میهنان ما که خود را مؤرخ و دانشمند و "روشنفکر" معرفی می دارند، آگاهانه و روی دستورات خاص این طرح را پیش می برند. هدف کلی ازین طرح، انحراف اذهان مردم ما در داخل و خارج از اشغال افغانستان، مزدوری دولت مستعمراتی کابل و بی امنیتی و هرج و مرج کنونی است.

البته حقایق تاریخی باید گفته شود و آن هم در صورتی که حوادث خونبار کنونی به یاد فراموشی سپرده نشود. چند گروه به خوشحالی از به گودال افتادن روشنفکران قلابی بهره برداری می نمایند. اول، دولت مستعمراتی و مزدور کابل که تا گلو در کثافت و مرداری غرق است. دوم، گروه های جهادی که صد ها هزار تن را کشتند و شهر ها را ویران کردند. سوم، خلقی و پرچی های خاک فروش که می بینند کسی به فکر خیانت شان نیست. چهارم، طالبان که با شرارت کم نظیر به کشتار و ویرانگری ادامه می دهند. واقعاً که امپریالیسم در به دام انداختن "روشنفکران" بی وجدان جانانه موفق شده است.

خدمت آن عده دیگر که مدافع افراد خاص در نظام سلطنتی اند و آنها را از همه گناه ها و اشتباهات مبرا می دانند، عرض شود که هیچ صدراعظم، هیچ وزیر و سفیر و هیچ والی و رئیس بدون سرسپردگی به طبقه حاکم آن وقت به مقام مورد نظر نمی رسید. این یک اصل کلی در تمام نظام هاست. در افغانستان اشغال شده کنونی مشاهده نمائید که هیچ فردی نمی تواند به مقامی دست یابد مگر این که سرسپردگی خود را به اشغال گران که قوای حاکم اند، ابراز بدارد. اگر بین صدراعظم و شاه و یا بین وزیر و صدراعظم تشنج خلق گردیده بود، دلیل ملی بودن همان صدراعظم و وزیر نبود، بلکه کشمکش و تضاد در داخل طبقه حاکم آن وقت افغانستان یک امر طبیعی به نظر می رسید، طوری که حالا

هم عین حالت را مشاهده می نمائیم. تضاد بین غنی و عبدالله که هر دو مزدورند، معنی برتری یکی بر دیگری نیست. لذا نمی توان هم انقلابی بود و هم صدراعظم، هم مردمی بود و هم سفیر و وزیر نظام ارتجاعی سلطنتی. از هم میهنان خود تمنا دارم که به بدبختی های مردم کنونی افغانستان توجه نمایند تا مردم و کشور ما ازین حالت نکبتبار رهائی یابد. آن وقت ما خواهیم توانست در آرامش کامل و با وجدان سالم حقایق تاریخی را موشکافی نمائیم.